

Philosophical-theological explanation of neo-Mu'tazilite political ideas and neo-Sadr philosophers in order to provide a theoretical framework for political education in the Islamic world

Received: 18/11/2022

Accepted: 17/03/2023

Seyed Mahdi Mousavinia,^{*} Saeideh Sadat Azimi,^{**}

(144-172)

The topic of rationality and political rationality is one of the most ancient concepts in the history of human life, which is considered one of the basic concepts in a civilization with a political system. One of the most important sources for explaining this issue in the Islamic Republic of Iran is referring to the thoughts of Imam Khomein(RA). In this article, an attempt has been made to answer this question: What are the basic foundations of the concept of political rationality in Imam's computing system? This article claims that what stands out more than any other issue in the view of the founder of the Islamic Republic of Iran is the intersection of political rationality with revolutionaryism, which can be talked about under the concept of revolutionary rationality. In this article, by using Imam's interpretations and using the Theme Analysis method, keywords related to revolutionary rationality were first extracted and then, from their comparison and analysis, the corresponding concepts and general themes were expressed. From the general comparison of the two concepts of revolutionary rationality (political rationality and revolutionaryism), it can be said that in the view of the Imam(RA), these two have a common denominator, which is the element of public and true benefits of the people, which is independent of false needs that generally caused by fleeting emotions and emotions. Imam Khomeini(RA) believes that the public and real benefits of the people, which sometimes require the protection of procedures and sometimes need to be transformed, should be based on a transcendental point of view. Because from his point of view, it is only the transcendental point of view that can distinguish the true and non-false benefits of mankind. Imam(RA) believes that the result of this view is efficiency and the harm of avoiding it will be destruction.

Keywords: political rationality, revolutionary rationality, revolutionaryism, political thought of Imam Khomeini (RA), Islamic revolution.

* . Assistant Professor, Department of History and Education of the Islamic Revolution and Sacred Defense, Faculty of Social and Cultural Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran (corresponding author), mousavinia.smahdi@gmail.com.

** . Scholar of Al-Zahra Theological School, Tehran, Iran, sadatmsvnia@gmail.com.



سپارستاری

صورت‌بندی مفهوم عقلانیت انقلابی در دستگاه محاسباتی امام خمینی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

سیدمهدی موسوی نیا*

سعیده سادات عظیمی**

(۱۴۴-۱۷۲)

چکیده

عقلانیت در تمدن واجد نظام سیاسی، یکی از مفاهیم پایه به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین منابع تبیین این موضوع در جمهوری اسلامی ایران، رجوع به اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام می‌باشد. در این مقاله سعی شده به این پرسش پرداخته شود که: صورت‌بندی مفهومی عقلانیت سیاسی در دستگاه محاسباتی امام خمینی علیه السلام چیست؟ مقاله پیش رو، ادعا دارد آنچه بیش از هر موضوعی در دیدگاه ایشان برجسته است، تلاقی عقلانیت سیاسی با انقلابی‌گری است که می‌توان آن را ذیل مفهوم عقلانیت انقلابی آورد. در این مقاله با استفاده از تعابیر ایشان و استفاده از روش تحلیل مضمون، ابتدا کلیدواژه‌هایی در رابطه با عقلانیت انقلابی استخراج گردیده و سپس از مقایسه آن، مفاهیم متناظر و مضامین کلی بیان شده است. از مقایسه کلی دو مفهوم عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این دو در نگاه امام علیه السلام دارای یک مخرج مشترک هستند که عبارت است از عنصر مصلحت عمومی و حقیقی مردم که این مصلحت فارغ از نیازهای کاذبی است که عموماً از هیجانان زدگدر ناشی می‌شود. امام خمینی علیه السلام عقیده دارد مصالح عمومی و حقیقی مردم که گاهی به حفاظت از رویه‌ها و گاهی به تحول در آن نیازمند است، می‌بایست بر اساس دیدگاهی متعالی رخ دهد. چراکه از دیدگاه ایشان، صرفاً دیدگاه متعالی است که می‌تواند مصالح حقیقی بشر را تشخیص دهد. امام علیه السلام اعتقاد دارد نتیجه این دیدگاه، کارآمدی است و آسیب اجتناب از آن، نابودی خواهد بود.

واژگان کلیدی: عقلانیت سیاسی، عقلانیت انقلابی، انقلابی‌گری، اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، انقلاب اسلامی.

* . استادیار گروه تاریخ و معارف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی دانشگاه

جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، mousavinia.smahdi@gmail.com.

** . دانش پژوه مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها، تهران، ایران، sadatmsvnia@gmail.com.

مقدمه

جایگاه فکر و اندیشه در ایجاد و تطور تمدن‌ها بسیار مهم است؛ در واقع، تمدن‌ها مبتنی بر فرهنگ و هویت خاص یک جامعه شکل می‌گیرند و در این میان، نمی‌توان از نقش تفکرات و مبانی فکری در شکل‌گیری فرهنگ و هویت فرهنگی غافل بود. انقلاب اسلامی ایران با رهبری فکری و سیاسی امام خمینی علیه السلام، به ایجاد و تأسیس نظامی سیاسی منجر شد که لازم است دائماً حرکت خود را با دیدگاه اولیه بنیان‌گذار خود تطبیق دهد تا از مسیر اصلی و آرمانی خود فاصله نگیرد. چنانچه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام به این امر تأکید دارد که: «نگذارید یاد امام در جامعه کم‌رنگ بشود. همان‌طور که گفتم، امام روح این انقلاب است؛ نگذارید یاد امام را کم‌رنگ کنند، نگذارید امام را تحریف کنند» (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۳/۱۴۰۱).

در واقع، رجوع به اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام در یک نگاه کلان، به جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد تا مبتنی بر یک نرم‌افزار مطمئن و مفید، مسیر خویش را ادامه دهد. در مسیر رجوع و بازخوانی اندیشه‌های بنیادین بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود، موضوع عقلانیت سیاسی است. چراکه انقلاب اسلامی ضمن بازگرداندن عقلانیت به ریل مابعدالطبیعه و توجه به ابعاد مختلف حیات، تلاش‌های عالمان مسلمان در تاریخ تمدن اسلامی در زمینه عقلانیت و کوشش عالمان معاصر شیعه برای حل منازعه سنت و تجدد را که عموماً برای اصلاح نظام سیاسی بود، در سطح راقی‌تری دنبال کرد و برای تبلور سیاسی عقلانیت موردنظر خود، به ایجاد و تأسیس نهاد همت گماشت.

در طول سال‌هایی که از شکل‌گیری جمهوری اسلامی می‌گذرد، این دغدغه که الگوی رفتاری و نهادسازی و در مجموع، حکمرانی جمهوری اسلامی باید مبتنی بر خردگرایی و منطق مستحکم باشد، همواره مدنظر بوده است. این دیدگاه که از یک رویکرد اسلامی ناشی می‌شود در بیان امام خمینی علیه السلام به این صورت آمده است:

«اسلام برای این انسانی که همه‌چیز است؛ یعنی از طبیعت تا ماورای طبیعت تا عالم الهیات مراتب دارد، اسلام تز دارد، برنامه دارد اسلام. اسلام می‌خواهد انسان را يك

انسانی بسازد جامع؛ یعنی رشد به آن‌طور که هست بدهد. حظّ طبیعت دارد، رشد طبیعی به او بدهد؛ حظّ برزخیت دارد، رشد برزخیت به او بدهد؛ حظّ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد؛ حظّ عقلانیت دارد، رشد عقلانیت به او بدهد؛ حظّ الهیت دارد، رشد الهیت به او بدهد. همه حظوظی که انسان دارد و به‌طور نقص است، الآن نرسیده است؛ ادیان آمده‌اند که این میوه نارس را رسیده‌اش کنند؛ این میوه ناقص را کاملش کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۴: ۹).

بنابر آنچه بیان شد، مقاله حاضر خواهید کوشید از ادبیات اسلامی-انقلابی امام خمینی^ع، صورت‌بندی مفهومی عقلانیت سیاسی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی حرکت جمهوری اسلامی را بیان نماید.

۱. پیشینه تحقیق

در رابطه با معنای عقلانیت سیاسی در اندیشه انقلاب اسلامی و دیدگاه امام خمینی^ع در این رابطه، چندین آثار علمی تألیف شده است. در "کتاب عقل و سیاست در اندیشه ایران معاصر" تلاش شده است پس از پرداختن به مباحث نظری پیرامون عقلانیت، دیدگاه امام خمینی^ع به‌صورت مختصر و صرفاً در حوزه نظریه حکومت اسلامی مورد بررسی قرارگیرد (شریعتمدار، ۱۳۸۷). نویسنده کتاب "عقلانیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران" نیز عقلانیت در جمهوری اسلامی را بر مبنای گفتمان اسلام سیاسی تبیین کرده است. وی معتقد است این خردگرایی در سه حوزه سیاست، هویت جمعی و اقتصاد دنبال شده است و به همین سبب، به بررسی سه ضلع تشیع، ملت و نفت در جمهوری اسلامی می‌پردازد (نوروزی، ۱۳۹۳). بخش بسیار کوتاهی از این کتاب که در رابطه با گفتمان‌های تشیع در ایران معاصر است، به تبیین دیدگاه اسلام سیاسی امام خمینی^ع اختصاص دارد. همچنین، کتاب جریان‌شناسی فکری-فرهنگی عقلانیت اسلامی به دنبال تبیین اندیشه‌ها و دسته‌بندی‌های جریان موسوم به عقلانیت اسلامی است که برخلاف جریان روشنفکری دینی و همچنین جریان سنتی، به دنبال آشتی سنت و تجدد می‌باشد. این کتاب به بیان مبانی اندیشه‌ای جریان عقلانیت اسلامی در ابعاد هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و دین‌شناسی پرداخته و اصول حاکم بر فعالیت‌های فکری-فرهنگی این جریان را برشمرده

صورت‌بندی مفهوم عقلانیت انقلابی در دستگاه ... - سیدمهدی موسوی‌نیا (۱۳۹۵-۱۴۵) / ۱۴۷

است (عظیمی شوشتری و میرچراغ‌خانی، ۱۳۹۵). نویسندگان مقاله «کارکرد نظریه عقلانیت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه و عمل حکومتی امام خمینی (ع)» کوشیدند کارکرد نظریه عقلانیت سیاسی را در اندیشه و عمل حکومتی امام خمینی (ع) در سه دوره استقرار، تثبیت و تعمیق جمهوری اسلامی نشان دهند. در این مقاله بیان شده است که عقلانیت سیاسی در سیره امام خمینی (ع) با غایت سعادت جامعه و در پیش گرفتن سیاست دین‌محور و مردم‌سالار، به تلفیق آرمان و واقعیت می‌پردازد که می‌توان مؤلفه‌های آن را در سه دوره ذکر شده احصاء نمود (درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۶).

هرچند کوشش‌های فوق‌الذکر به‌عنوان منابع قابل استفاده‌ای در فهم عقلانیت سیاسی معاصر و اندیشه امام خمینی (ع) محسوب می‌شود، اما هیچ‌یک از این آثار در مقام بررسی تفصیلی بیانات و اندیشه‌های امام خمینی (ع) برای صورت‌بندی مفهومی عقلانیت انقلابی از دیدگاه ایشان نبوده است. نوآوری مقاله حاضر، توجه روشمند به بیانات و آثار امام و صورت‌بندی مفهوم موردنظر این تحقیق است.

۲. مفهوم‌شناسی تحقیق

با توجه به ارتباطی که مبحث عقلانیت سیاسی در حرکت جمهوری اسلامی ایران با موضوع انقلابی‌گری پیدا کرده، لازم است مراد از مفاهیم عقلانیت، عقلانیت سیاسی، انقلاب و انقلابی‌گری بیان گردد:

۲/۱. معنای عقلانیت/عقلانیت سیاسی

عقلانیت، از ریشه «ع ق ل» گرفته شده و عقل در لغت‌نامه فارسی دهخدا، به «خرد»، «دانش»، «دریافت» یا «دریافت صفات اشیاء از حسن و قبح و کمال و نقصان و خیر و شر» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۰: ۱۶۰۰۴). در ادبیات عرب نیز اصل «عقل»، بند کردن و بازایستادن است، مثل عبارت عقل البعیر بالعقال که به این معناست: با پایبند شتر را بست. بنابراین عقل، مأخوذ از عقال است به معنای طنابی که به‌وسیله آن پای شتر را می‌بندند و او را از حرکت باز می‌دارند. در انسان نیز قوه‌ای است که مانع سرپیچی کرد او از راه راست می‌شود که به این قوه عقل گفته می‌شود. همچنین، واژه عقلانیت و عقلانی را در

ادبیات غربی، با کلمه‌های «rationality» و «reasonable» به معنای استعداد ذهن برای شکل دادن زمینه محاسبه نشان می‌دهند. این تعبیر که معنای حسابگری و دنیوی عقل را به همراه دارد، در مقابل واژه «Intellect» به معنای عقل کلی و تعالی جو است (مجیدی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸).

طبق تعریفی اولیه، عقلانیت را می‌توان به توانایی انسان برای به دست آوردن دانش و یا اتخاذ تصمیم هوشمندانه اطلاق نمود که با مفاهیمی همچون احساس، عادت، اعتقاد کورکورانه و سنت در تضاد است. عمل عقلایی نیز به قدرت خرد یا استدلالی که انسان را قانع و متقاعد می‌کند، مرتبط است که این استدلال، مبتنی بر تفکر می‌باشد و نه احساس و هیجان (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۹). واژه عقلانیت بیانگر اندیشه و عمل آگاهانه‌ای است منطبق بر قواعد منطق و معرفت و دانش تجربی که در آن اهداف در ارتباط منطقی با یکدیگر بوده و از نوعی استحکام و قوام متقابل برخوردارند و با مناسب‌ترین ابزارها به دست می‌آیند. عقل به موهبتی اطلاق می‌گردد که نوع بشر را قادر به تمییز دادن، شناختن، قاعده‌مند ساختن و نقد حقایق می‌سازد (نوذری، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۳). بنابراین، عقلانیت یکی از لوازم وجودی انسان است و بشر بدون عقل و فارغ از رفتار عقلانی را نمی‌توان متصور شد.

از آنچه تاکنون در ارتباط با موضوع عقلانیت بیان شد، می‌توان ویژگی‌های عقل جدید را چنین جمع‌بندی کرد: عقل به مثابه منبع و ابزار شناخت، خودبنیادی عقل جدید (معیار صدق و کذب گزاره‌ها)، توجه به عقل جمعی (در مقام باید و هست)، حقیقت‌سازی و غایت‌سازی، نسبی‌گرایی عقلانیت، طرح معنایی ابزاری از دین (مجیدی، ۱۳۹۳، ۲۵-۲۶) مبتنی بر جمع‌بندی فوق از عقلانیت، می‌توان مختصات معنایی و مفهومی عقلانیت سیاسی در دوره جدید که به عنوان بستر و زمینه نقش‌آفرینی سیاسی و نظریه‌پردازی اندیشمندان معاصری نظیر امام خمینی^ع است، چنین معرفی نمود: ۱. انحصارزدایی از سیاست دینی، ۲. عینی‌سازی گزاره‌های سیاسی، ۳. مردم‌محوری، ۴. رفاه به عنوان غایت نظام سیاسی، ۵. نسبی‌گرایی سیاسی.

۲/۲. معنای انقلاب/انقلابی‌گری

علی‌اکبر دهخدا، انقلاب را به معنای برگشتن، بازگرداندن، برگردیدن و واژگون شدن و برگشتن از کاری و حالی، واگردیدن، تحول و بازگرداندن، تقلب، انعکاس، دور و اضطراب و بی‌آرامی و آشوب آورده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳، ۳۵۷۸). شهید مطهری نیز با استفاده از آیات قرآن، کلمه انقلاب را به معنای برگشتن داخلی یک شیئی و عوض شدن جهت آن معنا می‌کند (مطهری، ۱۳۶۰، ۱۳۹). با توجه به معنای لغوی انقلاب، فهم معنای اصطلاحی و رایج آن در علوم سیاسی، چندان دشوار نیست. انقلاب در ادبیات سیاسی مرسوم به پدیده‌های اطلاق می‌شود که طبق آن، استحاله ارزشی (یا اسطوره‌های یک سیستم خاص)، تغییر ساختار اجتماعی، تحول نهادهای سیاسی، قانونی (یا غیرقانونی) بودن تغییر، تغییر نخبگان (چه از لحاظ افراد یا از حیث ترکیب اجتماعی) و خشونت رخ می‌دهد (کوهن، ۱۳۸۵، ۳۷-۳۸).

انقلاب نیز از جمله پدیده‌هایی است که به‌عنوان یک اصطلاح سیاسی، هیچ‌گاه اتفاق نظری در رابطه با تعریف آن وجود نداشته و امر دشواری بوده است (حاتمی، ۱۳۷۷، ۲۰). شاید یکی از مهم‌ترین قرائن برای تعریف دقیق انقلاب، شناخت مفاهیم مقابل آن، یعنی محافظه‌کاری و اصلاح‌طلبی باشد. آنچه به‌صورت ظاهری و اولیه از این دو تعبیر در اذهان متبادر می‌شود، اصالت حفظ وضع موجود در محافظه‌کاری و اصالت اصلاح و جلوگیری از براندازی در اصلاح‌طلبی است.

باین حال توضیح، می‌توان از مجموع تعاریف و نظریات، ویژگی‌های زیر را به‌عنوان عنصر مشترک عموم انقلاب‌ها ذکر کرد: ۱. دگرگونی در ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم در جامعه، ۲. تغییر و تحول در ساختارهای اجتماعی، ۳. تحول در نهادهای سیاسی، ۴. تعویض پایگاه اجتماعی گروه حاکمه، ۵. وجود عنصر خشونت.

مبتنی بر آنچه در باب تعریف پدیده انقلاب بیان گردید، انقلابی‌گری در ادبیات مرسوم علوم سیاسی، پیگیری مستمر دگرگونی در ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم در جامعه، تغییر و تحول در ساختارهای اجتماعی، تحول در نهادهای سیاسی، تعویض پایگاه اجتماعی گروه حاکمه همراه با عنصر خشونت دانست.

۳. روش تحقیق

نقطه تمرکز مقاله حاضر، بیانات امام خمینی علیه السلام در ارتباط با دو مفهوم عقلانیت سیاسی و انقلابی گری است. در معنای عقلانیت سیاسی مدنظر امام خمینی علیه السلام، به دو دسته از مفاهیم باید توجه نمود: نخست، مفاهیمی که از شقوق مختلف و ایجابی عقلانیت سیاسی هستند و در ادبیات سیاسی امام خمینی علیه السلام کاربرد دارند. تعابیری نظیر عقل، عقل سیاسی، عقلانیت، عقلانیت سیاسی، عقلایی، عاقل، منطق، استدلال، مصلحت، عرف، عقلا، حکمت، درایت، محاسبات، تدبر، تفکر، آزادفکری، فلسفه، لب و فکر از جمله این واژگان هستند. اما بخش دیگری از مفاهیم، آن دسته از تعابیری هستند که به عنوان رقیب عقلانیت سیاسی در ادبیات امام علیه السلام مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، شناخت آنچه را که امام علیه السلام عقلانیت سیاسی نمی‌داند، در بیان معنا و مفهوم عقلانیت سیاسی اهمیت و ضرورت دارد. تعابیری نظیر محافظه‌کاری، قشری‌گری، تحجر و سازش‌کاری از این مفاهیم محسوب می‌شوند.

در بیان انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نیز می‌بایست به دو دسته از مفاهیم توجه نمود: نخست، مفاهیم مشتق شده از واژه انقلاب است؛ تعابیری نظیر انقلابی، انقلابی‌گری، تفکر انقلابی، فکر انقلابی از جمله این واژگان هستند. دسته دوم مفاهیم مرتبط با انقلابی‌گری، تعابیری هستند که قرابت معنایی با آن دارند. تعابیری نظیر جهاد، جهادی، تعهد و متعهد را می‌توان از این جمله دانست.

آنچه در این میان نیاز به توضیح و یادآوری دارد آن است که در انتخاب بیانات امام خمینی علیه السلام و استخراج مفاهیم و مضامین مرتبط با عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری در این بیانات، تأثیر فهم و برساخت ذهنی پژوهشگر در برداشت مفاهیم مؤثر بوده است. بنابراین، تصور اینکه امام علیه السلام در رابطه با تعابیر عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری، تعبیر مستقیم و صریح داشته است، صحیح نیست. چنانچه در سطور فوق بیان گردید، در فهم مفهوم عقلانیت انقلابی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، به تعابیر نزدیک به دو مفهوم عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری مراجعه شده است.

در مقام تحلیل داده‌های به دست آمده، روش تحلیل مضمون، به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های کیفی، توانایی ایجاد انسجام و کشف ارتباط معنایی داده‌ها را دارد. در این روش

که از سال‌های پایانی قرن بیستم به بعد، در عرصه علوم انسانی معرفی شده، ضمن بررسی متن و بیان برداشت‌هایی مناسب از داده‌هایی که شاید در نگاه اول نامرتبط به یکدیگر و به موضوع هستند، سعی می‌شود ارتباط میان این داده‌ها و یا به اصطلاح، شبکه معنایی و مضمونی داده‌ها به نمایش گذارده شود (جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۵، ۱۰). لازم به ذکر است برخلاف روش‌های کمی، در این پژوهش که با استفاده از یک روش کیفی به تحلیل داده‌ها می‌پردازد، تکرار عددی مضامین به عنوان معیار اصلی برای رسیدن به نتیجه مطلوب نیست. در واقع، تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و تحلیل عمیق‌تری از روابط میان داده‌ها را به وجود می‌آورد (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۵۷). پژوهشگر با استفاده از این روش قادر است به سراغ آن دسته از مضامینی برود که در میان داده نهفته است. پژوهشگر با استخراج معانی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، مضامین کلان را استخراج نموده و در نهایت تعریفی از عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام ارائه می‌دهد. تحلیل مضمون به گونه‌ای که بیان گردید، به صورت کاملاً استقرایی اتفاق می‌افتد و مضامین اصلی و معنای نهایی مفاهیم، از داده‌های جزئی استخراج می‌گردد.

در مقاله تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام^۱، دکتر جلال درخشه و همکاران کوشیده‌اند جمع‌بندی مناسبی را از روش‌های مرسوم در تحلیل مضمون ارائه دهند. در بخش روش‌شناسی این مقاله، به چهار روش مرسوم در تحلیل مضمون اشاره شده است:

- قالب مضامین:^۲ در این روش، فهرستی از مضامین شناخته شده و داده‌های به دست آمده به صورت سلسله مراتبی از سطوح و خوشه‌های پایین‌تر تا سطوح بالاتر تنظیم می‌گردد.

- ماتریس مضامین:^۳ این شیوه از روش تحلیل مضمون، در پژوهش‌هایی کاربرد دارد که منابع و داده‌های محدودی دارد و می‌توان با دو فهرست ردیفی و ستونی از داده‌ها، ماتریس

۱ رجوع شود به: درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴)، تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۵۴-۵۶.

2. Template Analysis

3. Thematic Matrix

مضامین را شکل داد.

- شبکه مضامین:^۱ در این روش، شبکه‌ای از مضامین به صورت نقش‌های شبیه تارنما متشکل از مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر نشان داده می‌شود.

- تحلیل مقایسه‌ای:^۲ پژوهشگر در این شیوه سعی دارد هنگام جمع‌آوری داده‌ها، به صورت مداوم، میان اطلاعات به دست آمده مقایسه و تطبیق انجام دهد تا به نکات جدید دست یابد.

بر اساس جمع‌بندی نظری فوق و با توجه به حجم گسترده بیانات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، به نظر می‌رسد قالب مضامین، تناسب بیشتری با مقاله پیش‌رو داشته باشد.

۴. چارچوب نظری تحقیق

اینکه عقلانیت سیاسی در نمونه ایده‌آل خود چه نسبتی با انقلابی‌گری دارد، تا حد زیادی به تعریف عقلانیت و انقلابی‌گری بستگی دارد. با این حال، این پرسش، یک سابقه پر قدمت در مباحث فلسفی مبانی بر «متغیر و ثابت» دارد که در تاریخ فلسفه برخی به آن پرداخته‌اند؛ آن پرسش اساسی چنین است که: در حیات انسانی، ثبات اصالت دارد یا تغییر؟ بشر در تاریخ تفکر خود دائماً در این تردید بوده است که آیا اصل بر ثبات است و تغییر در امور، سطحی و ظاهری و احياناً فریب و خیال است یا اینکه تغییر اصالت دارد و ثبات امر ظاهری و خیالی است. در ادامه، به رویکردهای متفاوت در نسبت با این موضوع پرداخته می‌شود:

۱/۴. تبیین انقلابی‌گری و عقلانیت سیاسی

نام پارمنیدس^۳ در تاریخ فلسفه، در زمره نخستین افرادی است که اصالت را به ثبات و عدم تغییر داده است. پارمنیدس به عنوان یکی از الیائیان معتقد بود که موجودات این عالم دو ویژگی اساسی دارند: یکی ثبات و دیگر ازلی بودن و فنا نداشتن. او با یک تحلیل فلسفی می‌خواست استدلال کند که هرچه هست ثبات است و تغییر واقعیت ندارد. پارمنیدس فقط

-
1. Thematic Network
 2. Comparative Analysis
 3. Parmenides

صورت‌بندی مفهوم عقلانیت انقلابی در دستگاه ... - سیدمهدی موسوی‌نیا (۱۷۲-۱۴۵) / ۱۵۳

از راه تحلیل «موجود» می‌خواست نفی حرکت و تغییر را اثبات کند، اما شاگرد او، زنون^۱، براهینی مبنی بر محال بودن تغییر نیز اقامه کرده است (مطهری، بی‌تا، ۱۳: ۸۷۸).

به نظر می‌رسد این سابقه ذهنی از اصالت ثبات که نگاهی خوش‌بین و واقعی به تغییر ندارد، به‌عنوان پایه‌ای از بحثی باشد که در نسبت عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری مطرح است. چنانچه شهید مطهری وقتی می‌خواهد اصل دیالکتیک و اهمیت تغییرات مداوم در گرایش‌های مارکسیستی را توضیح دهد، به همین مسئله فلسفی در اندیشه‌های پارمنیدس ارجاع می‌دهد و بیان می‌دارد که ایده پارمنیدس، در مقابل انگاره مارکسیسم در اصل دیالکتیک قرار دارد.

با استفاده از مبنای فلسفی پارمنیدس و دیدگاهی که کمابیش در میان فلاسفه وجود داشته است، از همان دوران باستان، افرادی همچون افلاطون به سبب اعتقاد به حکومت آرمانی، به موضوع انقلاب نگاهی منفی داشتند^۲ و این دیدگاه در دوران قرون وسطی نیز ادامه یافت. مسئله حفظ ثبات نظام و قباحته بی‌نظمی اولویت این دوره بوده و انقلاب به‌عنوان پدیده‌ای محسوب می‌گردید که بنیان مشروع حاکمیت وقت را که مبتنی بر نظریه دو بود، مورد تهدید قرار می‌داد. بنابراین کلیسا با تمام قدرت خود و از هر راهی به مقابله با پدیده انقلاب برمی‌خاست؛ گاه از طریق تکفیر انقلابیون و گاه با استفاده از نیروهای حکومتی (حاتمی، ۱۳۷۷، ۲۱-۲۲).

این دیدگاه منفی به انقلاب، حتی در اندیشه مسلمانان به‌خصوص در اندیشه اهل سنت نیز تبلور یافته است که می‌توان گفت از دلایل اصلی آن، حاکمیت سیاسی اهل سنت و همچنین سرکوب شدید انقلابیون در طول تاریخ باشد که از منش و روش انقلابی در تاریخ، وجهه‌ای منفی ساخته است. همچنین، تبلور این دیدگاه تا دوره معاصر نیز ادامه یافته؛ در دوره معاصر و

1. Zeno

۲. البته دیدگاه ارسطو در نسبت با پدیده انقلاب، دیدگاه مثبتی است و خوش‌بینی‌های دیگری نیز در دیدگاه رواقیون نسبت به پدیده انقلاب وجود داشته است. با این حال، آنچه در دوران پیش از عصر جدید مرسوم بوده، دیدگاهی منفی نسبت به انقلاب است.

۳. حاکمیت کلیسا و پادشاه

با وقوع انقلاب‌های مختلف در کشورهای دنیا، مجدداً نگرانی‌ها نسبت به این مسئله تشدید یافته است، به گونه‌ای که در ادبیات کنونی مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب‌ها، این عقیده که انقلاب و انقلابی‌گری، برگرفته از رادیکالیسم و تندروی سیاسی می‌باشد، کاملاً عمومیت و رسمیت دارد؛ بر این اساس مطرح می‌شود که عموم انقلاب‌ها بر اثر رادیکالیسم سیاسی شکل گرفته و عمل می‌کنند و رفتار انقلابیون، رفتار غیرعقلانی است و می‌توان میان دیدگاه‌های عقل‌گرایانه و محافظه‌کارانه با دیدگاه انقلابی در حیطه اندیشه سیاسی، تناقضی جدی مشاهده کرد. از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که عرصه انقلاب‌ها را به میدانی برای تندروی برخی افراد و حذف میانه‌روها می‌دانند، می‌توان به کرین برینتون و هانتینگتون اشاره نمود. برینتون اعتقاد دارد پس از وقوع انقلاب‌ها، جریان تندرو می‌تواند خود را جایگزین میانه‌روها کند (شبان‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۲۶-۱۲۸). بنابراین، برینتون یکی از افرادی است که برای تحرکات رادیکال و تندروی‌ها در انقلاب، جایگاه ویژه‌ای قائل است. از سوی دیگر، ساموئل هانتینگتون نیز اعتقاد دارد در انقلاب‌ها، جناح تندرو به سبب آشنایی بیشتر با تحرکات سیاسی، بر جناح میانه‌رو سبقت می‌گیرد (مرشدی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۴).

۲/۴. تساوی انقلابی‌گری و عقلانیت سیاسی

فیلسوف دیگری در یونان باستان به نام هراکلیت یا هراکلیتوس^۱ در نقطه مقابل پارمنیدس و ایده اصالت ثبات او قرار دارد. او برخلاف پارمنیدس مدعی است که هیچ چیزی در دو لحظه به یک حال نیست. این جمله از اوست: «نمی‌توان دو بار در یک رودخانه پای نهاد» زیرا در لحظه دوم نه فرد همان فرد است و نه رودخانه آن رودخانه است (مطهری، بی‌تا، ۵، ۱۷۰). بنابراین، این ایده نیز در اندیشه‌های بعدی بشر در مقابل ایده اصالت ثبات، دارای طرفداران و حامیانی بوده است. علاوه بر این مبنای فلسفی، می‌توان خوش‌بینی‌ها به مفهوم انقلاب را از سوی تکامل‌گرایانی دانست که در سیر خطی و روبه‌پیشرفت تاریخ، انقلاب را برای به ثمر رساندن مراحل جدید زندگی بشر، تجویز نموده و یا امری طبیعی می‌دانند؛ دیدگاه‌هایی که عموماً منشعب از اندیشه‌های کارل مارکس است که با نام‌های مختلفی به

1 Heraklit, Heraklitus

اندیشه مارکسیسم مرتبط می‌شوند و در اکثر موارد، نه تنها انقلاب و انقلابی‌گری را پدیده شومی نمی‌دانند، بلکه آن را تجویز می‌کنند.

دیدگاه‌های پیرامونی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. برخی دیدگاه‌ها به منظور مدرنیزاسیون جوامع سنتی و دست یافتن به ارزش‌هایی نظیر آزادی، به پدیده انقلاب تأکید دارند. به‌عنوان مثال، هانیتگتون اعتقاد دارد انقلاب به‌عنوان جنبه‌ای از تلاش یک جامعه برای مدرنیزه شدن است و بیشتر در جوامعی اتفاق می‌افتد که از عدم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رنج می‌برند و انقلاب تلاشی برای رفع این ناهماهنگی‌ها است (حاتمی، ۱۳۷۷، ۳۲).

۴/۳. تفصیل ارتباط انقلابی‌گری و عقلانیت سیاسی

در بیان اندیشه‌های میانه‌ای که به ارتباط و نسبت تفصیلی عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری می‌پردازد، می‌توان به اندیشه رهبران جمهوری اسلامی اشاره نمود که برگرفته از سنتی اسلامی و مبتنی بر مفهوم عقلانیت اسلامی صورت‌بندی شده است. در رابطه با نسبت عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری، آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام با صراحت بیشتری به این مسئله پرداخته است. تفصیل دیدگاه ایشان در معنای عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری از این جهت است که ایشان، عقلانیت را در سطح کارکردی آن، به دو بخش الهی و شیطانی تقسیم می‌نمایند:

«عقلانیت حرف اول را در کشور دارد میزند، منتها با توکل به خدای متعال، با اعتماد به خدای متعال... اگر مؤمن باشیم، اگر در ذیل عنایت توکل به خدا و امید به خدا عقلانیت را به کار بیندازیم، آن وقت این باب برای ما باز خواهد شد؛ نه اینکه عقلانیت را تعطیل کنیم، نه اینکه محاسبات مادی را کنار بگذاریم؛ نه، همه این‌ها لازم است و ما هم همیشه تأکید می‌کنیم، اما در کنار این، یکجایی بگذارید برای مدد الهی؛ اگر چنانچه اهل توکل به خدا هستیم، اهل امید به خدا هستیم... اگر چنانچه ما خواستیم عقلانیت را در سایه اعتماد به شیطان‌ها به کار بگیریم، آنجا جور دیگری خواهد شد... عقلانیت و تدبیر و کارکرد عاقلانه در مسائل مختلف - در دیپلماسی، در مسائل کشوری، در اداره داخل کشور، در تجهیزات،

در علم، در صنعت و در غیره- کار لازمی است، اما اعتماد به شیاطین، اعتماد به آن کسی که با اصل وجود شما مخالف است، خطای بزرگی است» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۳۹۵/۱۱/۱۹).

در زمینه انقلابی‌گری نیز ایشان در بیانات ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۵ به پنج ویژگی اساسی تصریح نموده که عبارتند از: ارزش‌مداری، آرمان‌گرایی، آزادی‌خواهی، حساسیت در برابر دشمن، تقوای دینی و سیاسی (۱۳۹۵/۳/۱۴) مجموع ویژگی‌های انقلابی‌گری از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای دیدگاه ایشان را به مفهوم انقلابی‌گری از بسیاری دیدگاه‌ها که قائل به ماهیت خشن انقلاب و انقلابی‌گری هستند، متمایز می‌سازد.

دیدگاه تفصیلی رهبران جمهوری اسلامی به صورت مجزا و در فصول چهارم و پنجم این پژوهش تبیین خواهد شد. اما فی‌الجمله در بیان دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی، ذکر چند نکته است:

- عقلانیت و انقلابی‌گری در این دیدگاه، از منبعی یکسان به نام دین تغذیه می‌شوند و از این جهت، بین این دو مفهوم اشتراک معنایی وجود دارد.

- آنچه در رفتار رخ می‌دهد، تا حدی از اقتضائات و شرایط نیز تأثیر می‌پذیرد که باید به آن‌ها توجه داشت. بنابراین مقام عمل و نظر در نسبت عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری باید مجزا نگریسته شود.

- در این دیدگاه، انقلابی‌گری با مفهوم عقلانیت سیاسی مدرن لزوماً همخوانی ندارد. چراکه عقلانیت سیاسی مدرن ناشی از یک جهان‌بینی غیرمتکامل و منحرف است و نمی‌توان انقلابی‌گری موردنظر رهبران جمهوری اسلامی را با یک مفهوم غیربومی تطبیق کامل داد.

۵. معنانشناسی عقلانیت سیاسی در بیانات امام خمینی علیه‌السلام

مبتنی بر آنچه در معنای عقلانیت در بیانات امام خمینی علیه‌السلام قابل استخراج است، می‌توان نکات و مضامین به‌دست‌آمده را در جدول زیر و در معنای عقلانیت سیاسی به‌عنوان جزئی از کل، چنین جمع‌بندی نمود:

جدول شماره (۱). مفاهیم مرتبط با عقلانیت سیاسی در آثار امام خمینی علیه‌السلام

مضامین متناظر	کلیدواژه‌ها
<p>جایگاه برتر عقلانیت سیاسی در وجود انسان</p>	<p>جامع‌نگری تمام ابعاد انسان در اسلام / اولویت عقلانیت بر مراتب دیگر در وجود انسان‌ها / تخصصی و غیرعمومی بودن مرتبه عقلانیت در انسان‌ها</p>
<p>ماهیت عقلانیت سیاسی در وجود انسان</p>	<p>تمایز عقل و قلب / ارجحیت ایمان بر عقل / تکمیل عقلانیت با ایمان / دوگانگی عقلانیت در بهره‌برداری / نتایج گوناگون بهره‌گیری از عقلانیت (خیر و شر)</p>
<p>قرابت معنایی برخی مفاهیم با عقلانیت سیاسی</p>	<p>تقارن عقل با تدبیر / تقارن دوراندیشی با عقلانیت / تقارن عقلانیت با انقلابی‌گری / تقارن عقلانیت با واقع‌نگری / هم‌سنخ بودن عقل و شرع / ترادف عقلانیت با قانون و روند قانونی / سنخیت مصلحت‌سنجی و تکلیف‌گرایی / اهمیت تکلیف‌گرایی در مصلحت‌سنجی / تزکیه شرط کسب حکمت</p>
<p>مفاهیم مخالف با عقلانیت سیاسی</p>	<p>مخالفت مفهوم عقلانیت با آرمان‌گرایی غیرواقعی / عناد عقل و غضب / عناد عقل با حب و بغض</p>
<p>معانی ایجابی عقلانیت سیاسی؛ نشانه‌ها و ویژگی‌ها</p>	<p>عقلانیت به‌مثابه بهره‌برداری از فرصت‌ها / وحدت از نشانه‌های عقلانیت / توجه به مردم از نشانه‌های عقلانیت / تهذیب نفس از نشانه‌های عقلانیت / عقلانیت به‌مثابه تجربه‌اندوزی و عبرت‌گیری / مدارای سیاسی با همفکران از نشانه‌های عقلانیت / حفاظت از خود از نشانه‌های عقلانیت / مجازات بازدارنده متجاوز از نشانه‌های عقلانیت / مدیریت اختلافات داخلی در برابر مخالفان / اصالت نتیجه‌گرایی در عقلانیت سیاسی / اصالت قانون و ساختارهای قانونی در</p>

	<p>عقلانیت سیاسی / وحدت در قبال دشمنی دشمن از اقتضائات عقلانیت / حدود مدارای عقلانی: اعتقاد به اسلام و حکومت دینی / فرامرزی بودن عقلانیت دینی / تلازم عقلانیت با منفعت حقیقی و واقعی / اصالت ثبات در جامعه / تلازم عقلانیت با پایبندی به شرع / دوراندیشی و نتیجه‌گرایی از نشانه‌های عقلانیت سیاسی / سلطه ناپذیری از نشانه‌های عقلانیت دینی / وحدت در مقیاس جهان اسلام / مدیریت درون‌نگر در عقلانیت امام / نتایج کامل در گرو نیات الهی / تحول دائمی روبه‌پیشرفت از نشانه‌های عقلانیت امام / حمایت از مظلومین جهان در عقلانیت امام</p>
<p>معانی سلبی (مخالف) عقلانیت سیاسی</p>	<p>اصالت معنویت‌گرایی به جای مادی‌گرایی / فساد از آفات فقدان عقلانیت / تقابل عقلانیت سیاسی با شیطنت و عقلانیت غیررحمانی / سکوت در برابر ظالم در عقلانیت غیردینی / منافات عقلانیت با تحمیل و اکراه / منافات عقلانیت با رفتار مبتنی بر مصلحت دیگری (غیر) / وابستگی از ویژگی‌های عقلانیت غیر خودی / مغایرت عقلانیت امام با سکولاریسم / غفلت از وعده‌های الهی و ارزش‌های انسانی در نظام محاسباتی مادی / اکتفا به منابع مادی و ظاهری قدرت در نظام محاسباتی مادی / اتکا به توان غیر برای پیشرفت در عقلانیت غیر خودی / اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی / منافات اسلام آمریکایی با حاکمیت دین / وابستگی به‌مثابه منفعت عقلانیت غیر / غفلت داخلی و استعمار خارجی به‌عنوان عامل رواج</p>

	<p>سکولاریسم / خودباختگی به‌مثابه منشأ عقلانیت وابسته / وابستگی در فکر به‌مثابه منشأ عقلانیت وابسته / تضعیف عوامل هویتی توسط عقلانیت وابسته / ذلت از نتایج عقلانیت وابسته / تلازم عقلانیت وابسته و سکولاریسم / مقدس‌مآبی از گزاره‌های مخالف عقلانیت امام / نفاق از گزاره‌های مخالف عقلانیت امام / خشونت از گزاره‌های مخالف عقلانیت امام / سازش‌ناپذیری عقلانیت امام با عقلانیت غیر / سازش‌ناپذیری عقلانیت دینی با گفتمان‌های غیر / سازش با قدرت‌ها به‌عنوان عامل تضعیف عناصر هویتی / نابودی در نتیجه سازش / فرصت به دشمن از آفات سازش / به رسمیت شناختن دشمن از آفات سازش / پیروی و بی‌فکری در نتیجه سازش / نزدیکی التقاط دینی به عقلانیت مدرن</p>
<p>کارویژه‌های عقلانیت سیاسی (عقلانیت سیاسی در مقام عمل)</p>	<p>عقلانیت به‌مثابه حد آزادی انسان / محدودیت آزادی از کارویژه‌های عقلانیت / محدودیت آزادی توسط مصلحت / حدود الهی (بخشی از قانون) ضامن مصلحت / آزادی مشروط بر مصلحت / اثرگذاری مردم در تعیین مصادیق / مجلس به‌عنوان بخشی از ساختار تعیین عرف / توانایی عرف در تعیین احکام ثانویه / مصلحت به‌مثابه منفعت ملی (فارغ از مذهب) / مؤمنین به‌مثابه ملت (فرامرزی بودن مصلحت) / احکام دین متضمن مصلحت عامه مردم / حکم ثانویه در مکانیسم مصلحت / اهمیت نقش زمان و مکان در قانون‌گذاری / عدول از ارزش‌ها به بهانه مصلحت‌سنجی / اولویت مصلحت اسلام در عقلانیت امام /</p>

منفعت ملی از نشانه‌های مصلحت / پیوند قانون و مصلحت / اقتضائات از لوازم مصلحت / اصالت قانون در منطق امام / حدود مدارای عقلانی: اعتقاد به اسلام و حکومت دینی / نتایج کامل در گرو نیت الهی

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس صحیفه امام)

مبتنی بر مضامین فوق، تبیین معنای عقلانیت سیاسی در اندیشه امام خمینی علیه السلام در قالب‌های مضمونی زیر امکان‌پذیر است:

۱/۵. تعریف اثباتی و سلبی عقلانیت سیاسی

می‌توان از باب ایجاد تبادری ذهنی، مفاهیم نزدیک و دور از عقلانیت سیاسی را در اندیشه امام خمینی علیه السلام مطرح نمود تا حدود معنایی عقلانیت سیاسی مشخص گردد. در واقع معین شود که وقتی امام خمینی علیه السلام از عقلانیت سیاسی سخن می‌گوید و به آن اشاره دارد، به چه مفاهیم مترادفی توجه دارد و از چه مفاهیم مخالفی اجتناب می‌ورزد.

در اندیشه امام خمینی علیه السلام، عقلانیت سیاسی با تعبیری نظیر تدبیر، دوراندیشی، انقلابی‌گری، واقع‌نگری، دستورات شرعی، قانون و روند قانونی، مصلحت‌سنجی، تکلیف‌گرایی، حکمت و تزکیه مترادف و هماهنگ است. همچنین

مفاهیمی نظیر آرمان‌گرایی غیرواقعی، غضب و حب و بغض ناشی از هیجان و احساس نیز در نقطه مقابل عقلانیت سیاسی قرار دارد. مبتنی بر این دیدگاه، عقلانیت سیاسی ورود به عالمی از سیاست است که در آن، به جای دنباله‌روی از احساس و هیجان زودگذر و مقطعی، می‌بایست با انجام تکالیف و توجه به نتایج و آرمان‌ها، از ابزار حکمت و تدبیر استفاده نمود و واقعیت‌ها، ثبات در جامعه و اقتضائات موجود را در نظر گرفت.

۲/۵. مصادیق عقلانیت سیاسی

در رابطه با مصادیق عقلانیت سیاسی از منظر امام خمینی علیه السلام، می‌توان از مطالب مطرح شده، ویژگی‌های کلی زیر را استخراج نمود:

جدول ۲. مضامین کلی ویژگی‌های عقلانیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

ویژگی‌های عقلانیت سیاسی	مضامین کلی
بهره‌برداری از فرصت‌ها	۱. بهره‌گیری از فرصت‌ها
حفاظت از خود / سلطه ناپذیری / مجازات بازدارنده متجاوز / مدیریت درون‌نگر	۲. توجه به ظرفیت‌های درونی
وحدت داخلی / مدارای سیاسی با همفکران / مدیریت اختلافات داخلی در برابر مخالفان / وحدت در قبال دشمنی دشمن	۳. مدیریت اختلافات در برابر دشمن
وحدت در مقیاس جهان اسلام / فرامرزی بودن عقلانیت دینی / حمایت از مظلومین جهان	۴. دغدغه جهانی داشتن
توجه به مردم	۵. توجه به نظر مردم
تلازم عقلانیت با پایبندی به شرع	۶. پایبندی به شرع
تجربه‌اندوزی و عبرت‌گیری	۷. تجربه‌اندوزی
نتیجه‌گرایی / دوراندیشی و نتیجه‌گرایی	۸. نتیجه‌گرایی
تلازم عقلانیت با منفعت حقیقی و واقعی	۹. منفعت‌طلبی واقع‌گرایانه
احترام به قانون و ساختارهای قانونی / اصالت ثبات در جامعه	۱۰. احترام به ثبات قانون
تحول دائمی روبه‌پیشرفت	۱۱. تحول‌خواهی پیش‌برنده

۳/۵. فرآیند و کارکرد عقلانیت سیاسی

علاوه بر آنچه در رابطه با ویژگی‌های کلی و جزئی عقلانیت سیاسی از دیدگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران بیان گردید، باید دقتی نیز در رابطه عرصه عملی عقلانیت سیاسی

داشت؛ به این معنا که در عمل، ویژگی‌های فوق بر چه اساس و با استفاده از چه ابزاری محقق خواهند شد. در ادامه به این ساحت از عقلانیت سیاسی پرداخته می‌شود:
جدول ۳. مضامین کلی کارآیی‌های عقلانیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی*

مضامین کلی	کارآیی‌های عقلانیت سیاسی
۱. مدیریت حقوق انسانی جامعه	عقلانیت به مثابه حد آزادی انسان / محدودیت آزادی از کارویژه‌های عقلانیت / محدودیت آزادی توسط مصلحت / آزادی مشروط بر مصلحت
۲. بهره‌گیری از مکانیسم مصلحت‌اندیشی (با دخالت حدود الهی، منافع ملی، دیدگاه عرفی، اقتضانات زمانی و مکانی)	حدود الهی (بخشی از قانون) ضامن مصلحت / مصلحت به مثابه منفعت ملی (فارغ از مذهب) / احکام دین متضمن مصلحت عامه مردم / حکم ثانویه در مکانیسم مصلحت / اثرگذاری مردم در تعیین مصادیق / مجلس به‌عنوان بخشی از ساختار تعیین عرف / توانایی عرف در تعیین احکام ثانویه / مؤمنین به مثابه ملت (فرامرزی بودن مصلحت) / اهمیت نقش زمان و مکان در قانون‌گذاری / عدول از ارزش‌ها به بهانه مصلحت سنجی / اولویت مصلحت اسلام در عقلانیت امام / منفعت ملی از نشانه‌های مصلحت / اقتضانات از لوازم مصلحت
۳. حفظ ثبات جامعه از طریق اصالت بخشیدن به قانون و روندهای قانونی	پیوند قانون و مصلحت / اصالت قانون در منطق امام
۴. حفظ ثبات سیاسی از طریق	مدارای عقلانی با شاخص اعتقاد به اسلام و

مدارا با شهروندان محترم (شهروندانی که به آمریت حکومت احترام می‌گذارند)	حکومت دینی
۵. تکمیل نتایج از طریق انگیزه‌های الهی در امور	نتایج کامل در گرو نیات الهی / تهذیب نفس

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در پایان این بخش، منطق محاسباتی امام خمینی علیه السلام را می‌توان در یک تعبیر خلاصه نمود و آن تعبیر عبارت است از: "تدبیر متعالیه در سیاست". این منطق در مقابل دیدگاهی قرار دارد که تدبیر سیاست را لزوماً از مسیر متعالی دنبال نمی‌کند و به همین جهت، گاهی به شیطنت و تجاوز به ارزش‌های الهی و انسانی متوسل می‌شود. در تدبیر متعالیه امام، ایشان ضمن توجه به اقتضائات عقل دوراندیش، منفعت‌گرا و تحول‌خواه، آن را در چارچوب نظامی ارزشی دنبال می‌کند.

۶. معنانشناسی انقلابی گری در بیانات امام خمینی علیه السلام

مبتهی بر آنچه در معنای انقلابی گری در آثار امام خمینی علیه السلام به دست آمده، می‌توان مضامین متناظر با کلیدواژه‌های به دست آمده از این آثار را به شرح زیر بیان نمود:
جدول ۴. مفاهیم مرتبط با انقلابی گری در آثار امام خمینی علیه السلام

مضامین متناظر	کلیدواژه‌ها
موضع در مقابل انقلابی گری مصطلح	انتقاد امام به انقلابی گری مصطلح / انقلابی گری به مثابه تقابل با بی قانونی / منافات انقلابی گری با ایجاد هرج و مرج / انقلابی گری مبتنی بر عقلانیت و موازین دینی و انسانی / منافات انقلابی گری با بی نظمی و بی مبنایی / جهاد جایگزین خشونت به اصطلاح انقلابی / اولویت اصلاح

	<p>بر جهاد / اولویت نهضت مسالمت آمیز بر جهاد مقدس</p>
<p>معنای انقلابی گری</p>	<p>انقلابی گری به مثابه تقابل با مردمی نبودن / انقلابی گری به مثابه دفع وابستگی / انقلابی گری به مثابه اتکا به توان داخلی / نجات ملت‌های تحت ظلم به مثابه انقلابی گری / اتکا به توان داخلی به عنوان نشانه انقلابی بودن / انقلابی گری به مثابه وظیفه‌شناسی متناسب با ضرورت‌های اقتضایی حکومت اسلامی / برخورد قاطع با فساد به مثابه عمل انقلابی / انقلابی گری در تقابل با سازش کاری با فساد / جریان یافتن عمل انقلابی در اثر توطئه / ایشار از علائم انقلابی گری / قاطعیت به عنوان مشخصه انقلابی گری</p>
<p>تقارن مفاهیم با انقلابی گری</p>	<p>انقلابی گری به مثابه ایشار و از خودگذشتگی / سلطه‌ستیزی به مثابه عمل انقلابی / مدارا با حکومت غیرشرعی به عنوان اقدام غیرانقلابی / منافات انقلابی گری با بروکراسی معطل کننده / مماشات با فساد از مظاهر عمل غیرانقلابی / انقلابی گری نقطه مقابل مسامحه کاری / کار انقلابی به معنای کار قاطع / انقلابی گری به معنای مبارزه با متکبران ضداسلام / ذلت‌پذیری نقطه مقابل</p>

	<p>انقلابی بودن / انقلابی‌گری نقطه مقابل ظلم / دوری از علایق شیطانی به عنوان ویژگی انسان انقلابی / انقلابی‌گری نقطه مقابل ذلت در برابر استکبار / تلاش و دلسوزی برای کشور به مثابه انقلابی‌گری / تقارن انقلابی‌گری با اسلام‌خواهی / انقلابی‌گری در ارتباط با اسلام‌خواهی / تقارن انقلابی‌گری و صبر / تقارن انقلابی‌گری با هوشیاری / انقلابی‌گری به مثابه نیت و مقصد الهی داشتن / انقلابی‌گری به مثابه اجرای احکام و دستورات دین / انقلابی‌گری در تقابل با آزادی لجام‌گسیخته / مقابله با توطئه‌گری علیه اسلام و مسلمین به مثابه عمل انقلابی / اجرای اسلام به مثابه انقلابی‌گری / اسلام‌خواهی به مثابه انقلابی‌گری / تقارن انقلابی‌بودن با قانونمند بودن / انقلابی‌گری به مثابه اسلام‌خواهی / انقلابی‌گری نقطه مقابل حذف دین از عرصه جامعه / تقارن انقلابی‌گری با منافع ملی</p>
<p>کارآیی انقلابی‌گری</p>	<p>استقلال به عنوان نتیجه انقلابی‌گری / انقلابی‌گری ضامن هویت اسلامی-ایرانی / تضعیف کشور به عنوان نتیجه تسامح(انقلابی نبودن) / فرهنگ مصرفی به عنوان نتیجه انقلابی نبودن / ارجاع کارها به مبدأ اولیه</p>

به عنوان آفت خشونت / دیدگاه غیرانقلابی توجیه‌گر تسامح / تعهد و انقلابی‌گری به عنوان معیار کارگزاران نظام / تحول قوانین و ساختارها به نفع مردم / تقارن کارآمدی با انقلابی‌گری
--

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس صحیفه امام)

مبتنی بر برداشت‌های اولیه و مضامین متناظر آن‌ها در معنای انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی^ع، می‌توان انقلابی‌گری را در قالب‌های مضمونی زیر چنین بیان نمود:

۱/۶. موضع در مقابل انقلابی‌گری مصطلح

علی‌رغم تعریف انقلابی‌گری در عرف مصطلح، امام خمینی^ع به این معنا منتقد بوده و عقیده دارد انقلابی‌گری به مثابه تقابل با بی‌قانونی، هرج و مرج است. از دیدگاه ایشان، انقلابی‌گری باید مبتنی بر عقلانیت و موازین دینی و انسانی باشد. آنچه در تئوری‌های انقلاب در رابطه با خشونت در فرآیند انقلاب بیان می‌گردد و انقلابی‌گری را با خشونت‌طلبی و فاقد عقلانیت می‌داند، از نگاه امام^ع مردود است و اصالت ندارد. ایشان، اصلاح را بر جهاد اولویت می‌دهد و اعتقاد دارد حتی الامکان، می‌بایست از طریق مسالمت‌آمیز ادامه یابد. در شرایطی که دیگر فرصتی برای حرکت اصلاحی وجود ندارد، ایشان از تعبیر "جهاد مقدس" استفاده می‌نماید که از ادبیات دینی گرفته شده است و با خشونت‌هایی که در تئوری‌های انقلاب بیان می‌شود، تفاوت ماهوی دارد. جهاد در ادبیات دینی مبتنی بر بایدها و نبایدهایی است که در آن، افراطی صورت نمی‌پذیرد.

۲/۶. تعریف اثباتی و سلبی انقلابی‌گری

آنچه در یک نگاه اولیه و با توجه به مفاهیم نزدیک به انقلابی‌گری به ذهن متبادر می‌گردد آن است که این مفهوم از دیدگاه امام خمینی^ع، روحیه‌ای است که گاهی اقتضای مبارزه‌طلبی دارد و گاهی صبر و تحمل را تجویز می‌کند تا به وسیله آن بتوان احکام و دستورات دین را اجرا نمود. انقلابی‌گری با هوشمندی رخ می‌دهد و با آنچه آزادی و منافع مردم را به خطر

صورت‌بندی مفهوم عقلانیت انقلابی در دستگاه ... - سیدمهدی موسوی‌نیا (۱۷۲-۱۴۵) / ۱۶۷

می‌اندازد مقابله می‌کند. این امر نه از طریق امور هیجانی و زودگذر، بلکه از طریق تحولات قانونی میسر می‌شود و به‌نوعی مبتنی بر نوعی عقلانیت و مبنا رخ می‌دهد. از همین جهت است که امام خمینی علیه السلام آنچه را در برخی کشورهای به‌ظاهر انقلابی رخ می‌دهد، مورد انتقاد قرار داده است. اما آنچه به‌عنوان شاخصه‌های اصلی انقلابی‌گری در عبارات صریح امام خمینی علیه السلام قابل برداشت است، مضامین ذیل می‌باشد:

جدول ۵. شاخصه‌های انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

مضامین کلی	ویژگی‌های انقلابی‌گری
۱. تلاش به نفع مردم	انقلابی‌گری به‌مثابه تقابل با مردمی نبودن / دوری از علایق شیطانی به‌عنوان ویژگی انسان انقلابی / تلاش و دلسوزی برای کشور به‌مثابه انقلابی‌گری
۲. حفظ استقلال و دفع وابستگی	انقلابی‌گری به‌مثابه دفع وابستگی / سلطه‌ستیزی به‌مثابه عمل انقلابی / ذلت‌پذیری نقطه مقابل انقلابی بودن / انقلابی‌گری نقطه مقابل ذلت در برابر استکبار
۳. اتکا به توان درونی	انقلابی‌گری به‌مثابه اتکا به توان داخلی / اتکا به توان داخلی به‌عنوان نشانه انقلابی بودن
۴. ظلم‌ستیزی	نجات ملت‌های تحت ظلم به‌مثابه انقلابی‌گری / انقلابی‌گری نقطه مقابل ظلم
۵. وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرایی	انقلابی‌گری به‌مثابه وظیفه‌شناسی متناسب با ضرورت‌های اقتضایی حکومت اسلامی
۶. قاطعیت در انجام امور	برخورد قاطع با فساد به‌مثابه عمل انقلابی / قاطعیت به‌عنوان مشخصه انقلابی‌گری / کار انقلابی به معنای کار قاطع
۷. اجتناب از سازش‌کاری با امور نادرست	انقلابی‌گری در تقابل با سازش‌کاری با فساد / مماشات با فساد از مظاهر عمل غیرانقلابی / انقلابی‌گری نقطه مقابل مسامحه‌کاری
۸. ایجاد و حراست از حکومت دینی	جریان یافتن عمل انقلابی در اثر توطئه / مدارا با حکومت غیرشرعی به‌عنوان اقدام غیرانقلابی / انقلابی‌گری به معنای مبارزه با متکبران ضداسلام
۹. ایثار و ازخودگذشتگی	ایثار از علائم انقلابی‌گری / انقلابی‌گری به‌مثابه ایثار و ازخودگذشتگی
۱۰. تصحیح رویه‌های غلط	منافات انقلابی‌گری با بروکراسی معطل‌کننده

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مبتنی بر مضامین فوق، می‌توان عناصر اساسی انقلابی‌گری را چنین بیان نمود: انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی^ع عبارت است از ایجاد حکومت دین و حراست از آن؛ چراکه چنین حکومت دربردارنده منافع و مصالح واقعی و حقیقی مردم است. لازمه حکومت دینی و اصلاح امور به نفع مرد، اتکا به توان درونی (مردمی) و دفع وابستگی است و همچنین انجام قاطعانه وظایف و تکالیف. در این مسیر، آنچه به این حرکت آسیب خواهد زد آن است که انقلابیون بخواهند از مسیر صحیح کناره‌گیری کرده و با امور نادرست مماشات نمایند.

۳/۶. فرآیند و کارکرد انقلابی‌گری

مبتنی بر مطالعه آثار انقلابی‌گری در عرصه جامعه، می‌توان آثار انقلابی بودن یا به تعبیری انقلابی نبودن را در اندیشه امام خمینی^ع چنین مطرح ساخت:

۱. انقلابی‌گری ضامن هویت اسلامی-ایرانی است و از خودباختگی و فرهنگ مصرفی جلوگیری می‌کند و به تعبیری استقلال را به ارمغان می‌آورد.

۲. بر اثر دیدگاه‌های غیرانقلابی در کشور، جامع به‌سوی تسامح با رویه‌های غلط و در نتیجه ضعف پیش خواهد رفت.

۳. انقلابی‌گری غیرحقیقی و غیرمستند به مبانی حقیقی و صحیح، سبب ارجاع کارها به مبدأ اولیه می‌شود و در بلندمدت فایده‌ای ندارد.

۴. نسخه صحیح انقلابی‌گری می‌بایست دربردارنده تحول قوانین و ساختارها به نفع مردم و به تعبیری، کارآمدی نظام سیاسی باشد.

مبتنی بر آنچه بیان گردید، می‌توان انقلابی‌گری را در اندیشه امام خمینی^ع، در تعبیر "تلاش دائمی برای تحقق مصالح متعالی و حقیقی" خلاصه نمود.

۷. طراحی مفهوم عقلانیت انقلابی در اندیشه امام خمینی^ع

با معین شدن معنای عقلانیت سیاسی امام خمینی^ع و عناصر انقلابی‌گری در نگاه ایشان، می‌توان نسبت بین این دو مفهوم را تبیین کرد. وقتی در معنای خردگرایی سیاسی از

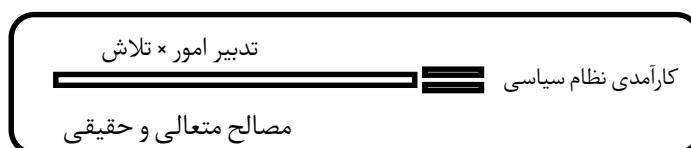
دیدگاه امام خمینی علیه السلام توجه می‌شود، منطق ایشان در این زمینه، تدبیر متعالیه امور است که با مبانی فکری موحدانه ایشان تطابق دارد. درواقع، منظور از تدبیر متعالیه امور آن است که درایت در اختیار چارچوب‌های توحیدی و خداانگارانه قرار گیرد. همچنین، ایشان انقلابی‌گری را به‌عنوان تلاشی دائمی برای تحقق مصالح متعالی و حقیقی در نظر داشتند که منظور از مصالح متعالی نیز آن چیزی است که توسط خالق این هستی، برای زندگی انسان و جوامع انسانی در نظر گرفته شده است.

از مقایسه کلی این دو مفهوم، می‌توان چنین گفت که این دو در نگاه امام علیه السلام، دارای یک مخرج مشترک هستند که عبارت است از عنصر مصلحت عمومی و حقیقی مردم که این مصلحت فارغ از نیازهای کاذبی است که عموماً از عواطف و هیجانات زودگذر ناشی می‌شود. امام خمینی علیه السلام عقیده دارد مصالح عمومی و حقیقی مردم که گاهی به حفاظت از رویه‌ها و گاهی به تحول در آن نیازمند است، می‌بایست بر اساس دیدگاهی متعالی رخ دهد. چراکه از دیدگاه ایشان، صرفاً دیدگاه متعالی است که می‌تواند مصالح حقیقی و غیر کاذب بشر را تشخیص دهد. امام علیه السلام اعتقاد دارد نتیجه این دیدگاه، کارآمدی است و آسیب اجتناب از آن، ضعف و نابودی خواهد بود. تضعیف نظام که از دیدگاه امام علیه السلام، به علت بازگشت از دیدگاه انقلابی بوده، یکی از موارد حساسیت‌برانگیز برای امام علیه السلام است که ایشان صراحتاً فرموده با کم‌رنگ شدن آن در جمهوری اسلامی، برخورد قاطع می‌نماید:

«آقایان توجه بکنند که قلم آن‌ها یک‌وقت قلمی نباشد که جمهوری اسلامی را تضعیف بکند. و من می‌بینم در بعضی قلم‌ها این جور است و این‌ها توجه بکنند. من همیشه میل دارم که با نصیحت، با- عرض می‌کنم که- تقاضا، با ملایمت با آقایان رفتار کنم و همیشه جوری باشد که يك صحبتی که ملایم نباشد، نباشد. لکن اگر چنانچه یک‌وقتی اقتضا بکند مصلحت اسلام، یک‌وقت انسان ببیند که می‌خواهد يك کسی اسلام را تضعیف کند ولو نمی‌فهمد خودش یا خدای نخواستہ از روی فهم- که بعضی نادر هست الآن که از روی ادراک می‌خواهند لطمه بزنند و شناسایی هم ممکن است شده باشند- لکن توجه کنند که اگر یک‌وقت يك همچو چیزی پیش بیاید آن‌وقت يك وضع دیگری پیش می‌آید. این جور نیست که همه‌اش قضیه نصیحت باشد و ملایمت باشد، يك مسئله دیگری پیش

می‌آید.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۰، ۱۲۸)

بنابراین، دیدگاه امام خمینی علیه السلام مبتنی بر سه‌گانه تجویزی، تحذیری و تفصیلی در نسبت عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری، تفصیلی است. امام خمینی علیه السلام با تفصیلی که در معنای عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری در دیدگاه ایشان گذشت، این دو مفهوم را متناسب با یکدیگر معرفی می‌نماید. مبتنی بر دیدگاه عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری مبتنی بر یک عنصر مشترک و به‌صورت زیر، به کارآمدی منتهی خواهند شد



شکل ۱. نسبت عقلانیت سیاسی و انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

امام علیه السلام، عقلانیت سیاسی را به‌عنوان عنصری سازنده و پراهمیت در ابعاد وجودی انسان می‌داند. منظور ایشان از این عنصر را می‌توان با تعبیر "تدبیر متعالیه در سیاست" بیان کرد. این منطق در مقابل دیدگاهی قرار دارد که تدبیر سیاست را لزوماً از مسیر متعالی و معنوی دنبال نمی‌کند و به همین جهت، گاهی به شیطنت و تجاوز به ارزش‌های الهی و انسانی متوسل می‌شود. در تدبیر متعالیه امام، ایشان ضمن توجه به اقتضائات عقل دوراندیش، منفعت‌گرا و تحول‌خواه، آن را در چارچوب نظامی ارزشی دنبال می‌کند.

در بیان انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نیز باید گفت ایشان موضع مخالفی در مقابل انقلابی‌گری مصطلح بیان می‌دارد؛ انقلابی‌گری به معنای تقابل با بی‌قانونی و مخالفت با هرج‌ومرج است. مبتنی بر مطالعاتی که در بیانات ایشان انجام گردید، می‌توان عناصر اساسی انقلابی‌گری را چنین بیان نمود: ایجاد حکومت دینی و حراست از آن؛ چراکه چنین حکومتی دربردارنده منافع و مصالح واقعی و حقیقی مردم است.

می‌توان از برآیند دیدگاه امام خمینی علیه السلام نسبت به دو مفهوم عقلانیت سیاسی و انقلابی

صورت‌بندی مفهوم عقلانیت انقلابی در دستگاه ... - سیدمهدی موسوی‌نیا (۱۷۲-۱۴۵) / ۱۷۱

گری که دارای اشتراکات فراوان و مخرج مشترک فوق‌الذکر هستند، از مفهومی جدیدی به نام "عقلانیت انقلابی" یاد کرد. بنابراین، عقلانیت انقلابی به عنصری اساسی در حکمرانی سیاسی اطلاق می‌شود که ضمن بهره‌گیری از تدبیر و مصلحت، به تلاش دائمی در جهت مصالح متعالی و حقیقی جامعه توجه دارد و غایتی جز کارآمدی نظام سیاسی را در نظر ندارد. عقلانیت انقلابی، یکی از مهم‌ترین عناصر مفهومی است که توانایی توضیح اندیشه و عمل حکومتی امام خمینی علیه السلام را دارد و به نظر می‌رسد در دوران پس از ایشان نیز پویایی و حیات دارد.

کتابنامه

- بیانات مقام معظم رهبری، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- جاویدی، رقیه و غلامرضا بهروزی لک (۱۳۹۵). «تحلیل مضمون محتوای «مردم» در اندیشه سیاسی امام خمینی»، علوم سیاسی، س ۱۹، ش ۷۵، ص ۷-۳۴.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۷۷). نظریه انقلاب در اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- دانایی‌فرد، حسن و دیگران. «اجرای خط مشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط مشی»، مدرس علوم انسانی-پژوهش‌های مدیریت در ایران، جلد ۱۴، ش ۶۹، بی تا، ص ۷۹-۱۰۶.
- درخشه، جلال و دیگران (۱۳۹۴). «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام»، جستارهای سیاسی معاصر، س ۶، ش ۱۷، ۱۳۹۴، ص ۵۳-۷۲.
- درخشه، جلال و سید مهدی موسوی‌نیا (۱۳۹۶). «کارکرد نظریه عقلانیت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه و عمل حکومتی امام خمینی علیه السلام»، اندیشه سیاسی در اسلام، س ۴، ش ۱۳، ص ۱۲۷-۵۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- شبان‌نیا، قاسم. «ارزیابی نظریه چرخش انقلاب‌ها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران»، معرفت سیاسی، جلد ۴، ش ۸، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳-۴۰.
- شریعتمدار، حمیدرضا (۱۳۸۷). «عقل و سیاست در اندیشه سیاسی ایران معاصر»، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.
- عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و

کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، جلد ۵، ش ۱۰، ص ۹۸-۱۵۱.

عظیمی شوشتری، عباسعلی و حسین میر چراغ‌خانی (۱۳۹۵). جریان شناسی فکری-فرهنگی عقلانیت اسلامی در ایران معاصر، قم، زمزم هدایت.

غفاری هشجین، زاهد و دیگران (۱۳۹۱). «پدیده رادیکالیسم و شواهدی از آن در انقلاب اسلامی»، رهیافت انقلاب اسلامی، جلد ۵، ش ۱۷، ص ۷۱-۸۸.

کوهن، آوین استانفورد (۱۳۸۵). تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران، قومس. مجیدی، حسن (۱۳۹۳). عقلانیت سیاسی در اندیشه فارابی و توماس آکویناس، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا.

————— (بی‌تا). مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، بی‌تا.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی (ع)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

————— (۱۳۸۶). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس (درآمدی بر آراء، اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس)، تهران، چشمه.

نوروزی، محمدحسین (۱۳۹۳). عقلانیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات آرماندیس.

بیانات رهبری:

بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ع) در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۴.

بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (ع) در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۴.